

نیرنگ پاکستان، سیاست آمریکا و مظلومیت مردم افغانستان

در حاشیه ی دهمین سال حضور قوای آمریکا در افغانستان

بخش چهارم و پایانی

پژوهشی از (صبح)

نبرد افغانستان، مداخلات پاکستان و چالشهای آمریکا



پاکستان بعد از یازده سپتمبر در برابر چالش سختی قرار گرفت، چون آمریکا برایش پیام داد که اگر در مبارزه بر ضد "طالبان" با آمریکا همگامی نکند، آنرا به عصر حجر خواهد فرستاد و همان بود که از یکطرف پاکستانی ها اعلان حمایت لوژستیکی در حمله به افغانستان نمودند و از سوی دیگر با امکانات وسیعی که در افغانستان داشتند و همچنان با داشتن مرز مشترک طولانی، قادر شدند که برخی از رهبران فراری "طالبان" را پنهان و بعد از حملات از آنان حمایت کنند. تمایل آمریکا برای کمک به پاکستان در مبارزه بر ضد تروریسم همه را شوکه کرد که چگونه با تمام مداخلات پاکستان در پرورش انتحاری و پایگاه بودن پاکستان برای تروریست ها باز هم آمریکا نقش این کشور را در مبارزه بر ضد تروریسم مثبت دیده و کمک های بزرگی را برایش میکند.

درین سال ها کرسی و اکثر تحلیلگران بارها پاکستان را متهم کرده اند که از "طالبان" و "القاعده" برای ناامن کردن افغانستان حمایت می کند و در این میان روابط دو کشور در مقطعی متشنج شده است.

همچنین در یک دوسال اخیر که گفته می شود خونین ترین سال در افغانستان پس از فروپاشی "طالبان" در سال ۲۰۰۱ میلادی می باشد برخی فرماندهان نیروهای خارجی و همین طور سازمان ملل متحد نیز پاکستان را تحت فشار قرار داده اند تا به تعهدات خود در قبال کمک به امنیت افغانستان پایبند باشند.

لوی درستیز اردوی آمریکا ضمن اعتراف به ناتوانی کشورش در کسب موفقیت در افغانستان اعتراف کرد که جنگ در افغانستان یکی از سخت ترین چالش های آمریکا است. مایکل مولن طی یک سخنرانی، رابطه آمریکا با پاکستان را آشفته و در عین حال حیاتی خواند و اعلام کرد بدون کمک اسلام آباد هیچ راه حلی برای جنگ در منطقه وجود ندارد. اظهارات وی و تأکید بر نقش پاکستان در شرایطی اعلام شده است که در روز های اخیر دولت پاکستان را به دلیل رابطه اش با گروه های افراطی اسلامی به طور علنی مورد انتقاد قرار داده است و این بیانات را طی یک سخنرانی به مناسبت پایان تصدی خود به عنوان لوی درستیز اردوی آمریکا بیان کرد. مولن اظهار داشت که به جانشین خود جنرال «مارتین دمپسی» گفته است که جنگ در افغانستان سخت ترین چالش او خواهد بود اما باید اهمیت پاکستان را نیز به یاد داشته باشد و «سعی کند در مورد این رابطه آشفته و در عین حال حیاتی بهتر از من عمل کند». این اظهارات یک هفته پس از اینکه مولن به یک کمیته مجلس سنای آمریکا اعلام کرد "طالبان" وابسته به شبکه حقانی، «بازوی حقیقی» سازمان اطلاعاتی نظامی پاکستان هستند، منتشر شد. این سخنرانی که مولن در مجلس سنای آمریکا بیان کرد، به آتش خشم تنش و کدورت با پاکستان دامن زد.

سایت ویکی لیکس در این اواخر بیش از نود هزار اسناد و مدارک محرّم را پس از طبقه بندی در رابطه با جنگ افغانستان منتشر نمود که در نوع خود شاید در تاریخ جهان افشای چنین اسناد محرّم آنهم در زمان بسیار نزدیک و کوتاه، بی نظیر باشد. این اسناد از جنوری ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۹ میلادی را در بر میگیرد.

اسناد ویکی لیکس به صراحت نشان میدهد که دستگاه اطلاعات پاکستان با "طالبان" روابط تنگاتنگ و نزدیکی داشته و حتی نماینده این دستگاه، در شورای کویته تحت رهبری ملا عمر، عضویت دارد. همچنان پاکستان با گروه حقانی رابطه نزدیکی برقرار نموده و بارها با تجهیز این گروه نیروهای ائتلاف را در افغانستان هدف قرار داده است. این اسناد افشا میکند که رهبری "القاعده" نیز در پاکستان است و عملیات انتحاری و انفجار بمب های کنار جاده ای را رهبری و نظارت میکند، عملیاتی که بیشترین تلفات را به نیروهای بین المللی و مردم غیر نظامی وارد می کنند . . .

در این اسناد بازی دوگانه پاکستان به حدی برجسته است که جامعه جهانی و به خصوص آمریکا را وادار خواهد نمود تا در سیاست های شان در قبال پاکستان تجدید نظر نمایند. چون پاکستان پس از سقوط

"طالبان"، از مجاری مختلف تلاش نمود، تا دوباره "طالبان" و "القاعده" را در خاک خویش نگهداشته و پس از مدتی "طالبان" را در گروه های چریکی سازماندهی نموده و آنها با تداوم جنگهای چریکی، ضربات مهلکی به نیروهای ائتلاف وارد کردند.

پاکستان با تحریک، تجهیز، تمویل و تسلیح "طالبان"، توانست که "طالبان" را از نو برانگیزاند و به یک نیروی چالشگر جنگی تبدیل کند. اگر "طالبان" از چنین منابع عقبی لوژستیکی و پناهگاه های امن در پاکستان برخوردار نمی بودند، در برابر نظامیان جامعه جهانی و دولتی خورد و خمیر میشدند. این اسناد نشان میدهد که پاکستان بطور آشکار "طالبان" را به جنگ مردم افغانستان و نیروهای ائتلاف جهانی فرستاده و می فرستد. اسناد ویکی لیکس، تمام شبهات را از میان برداشته است. به همان دلیل بود که صدر اعظم انگلستان به خاطر حمایت پاکستان از "طالبان"، دولت پاکستان را هوشدار داد. گرچه سفیر پاکستان در بریتانیا و سخنگوی وزارت خارجه این کشور طبق معمول این ادعای دیوید کامرون را رد نمود. اما پس از افشای اسناد ویکی لیکس، فکر میشود که زمان برای پاکستان دیر شده است که بتواند جهان را در قبال مخفی کردن بازی دوگانه خویش قناعت بدهد.

روزنامه فاینانشل تایمز چاپ لندن در گزارشی تحت عنوان «پاکستان به یک برخورد جدی تر ضرورت دارد» می نویسد- مبارزه ناتو در افغانستان به سرعت رو به ناکامی است، مگر این که ایالات متحده آمریکا در برابر پاکستان برای بستن پایگاه های طالب در آن طرف سرحد موقف جدی تر اتخاذ کند. قرار است قصر سفید آمریکا ارزیابی ستراتیژی خود را در افغانستان اعلان کند. اما بل هریس یک مقام بلند پایهء ملکی ایالات متحده آمریکا در قندهار که از مقامش کنار رفت در یک مصاحبه ای با روزنامه فاینانشل تایمز گفته است، تلاش های واشنگتن برای تقویت روابط با اسلام آباد، به منظور قطع جریان دوامدار شورشیان از پاکستان به افغانستان در سال گذشته به شکست مواجه شد.

هریس می گوید، ما در طول ده سال گذشته کمک های فراوان در اختیار پاکستان قرار دادیم ولی جایی را نگرفت.

بناً من فکر می کنم وقت آن رسیده تا در روابط دوجانبه خود، صحبت و مذاکرات ما به طور قطع بی قید و شرط رک و راست باشد. اگر قرار باشد که این جنگ به یک نتیجه برسد، باید پایگاه های شورشیان در داخل خاک پاکستان مسدود شود و از بین برود. اظهارات این مقام بلند پایهء ملکی آمریکا، نگرانی هایی را راجع به جریان کمک های ده ساله آمریکا به پاکستان منعکس می سازد که نتوانسته است نیروهای استخباراتی پاکستان را تشویق کند، دست از حمایت مخفی شورشیان بردارند.

هریس این دیپلومات سابقه دار امریکایی می گوید، در مدت یکسال کار من در قندهار، من هیچ گونه پیشرفت را در جهت قطع جریان و ظرفیت "طالبان" از سرحدات پاکستان ندیدم. ان پیترسن سفیر سابق ایالات متحده امریکا در پاکستان در یادداشت محرم دیپلماتیک که از جانب ویکی لیکس به نشر رسید گفته بود، هیچ مقدار پول نتوانست پاکستان را تشویق کند تا حمایت شان را از شورشیان طالب و لشکر طیبه که مسوول حمله تروریستی سال ۲۰۰۸ میلادی شهر مومبای هند می باشند قطع کنند. ولی به باور بعضی تحلیل گران، ایالات متحده امریکا باید برخورد خود را در برابر پاکستان از طریق قطع کمک های امریکا به این کشور سخت تر و جدی تر بسازد. یک مقام دیگر بلند پایه نظامی امریکا در سفارت این کشور در کابل به روزنامه واشنگتن پست گفته است، من ازین تشویش دارم که تقاضاهای واشنگتن از پاکستان مبنی بر حمله بالای وزیرستان شمالی، یک تقاضای فوق العاده زیاد است، زیرا تعداد زیاد اردوی پاکستان در طول سرحدات شرقی این کشور مستقر است و توانایی این کار را ندارد. در حین زمان، مقامات استخباراتی پاکستان به روزنامه واشنگتن پست گفته اند، وزیرستان شمالی برای ما خطر جدی نیست و اگر ما بالای وزیرستان شمالی حالا حمله کنیم، خطر به تمام کشور افزایش می یابد.

به هر اندازه ای که واشنگتن فشار وارد کند، اسلام آباد به همان اندازه مقاومت می نماید. توضیح آن ساده است و آن این که منافع دو کشور روی این موضوع متفاوت می باشد، امریکا که نیروهایش در افغانستان در معرض خطر قرار دارد اقدام می خواهد. پاکستان که در سرتاسر کشور به مبارزه تروریزم روبرو می باشد می خواهد به خطر داخلی خود توجه کند. سیاست مداران در هر دو کشور یک دیگر را به دو رویی و بی اعتمادی متهم می سازند که صرف می تواند اوضاع را خراب تر سازد.

تنشهای اخیر بین پاکستان و امریکا باعث شد تا اسلام آباد اصلی ترین گذرگاه عبور لاری های حامل تجهیزات مورد نیاز ناتو به افغانستان را برای چند روز مسدود کند. این اقدام پاکستان که در نوع خود کم سابقه بود پس از آن اتفاق افتاد که هلیکوپترهای ناتو با عبور از مرز پاکستان، وارد خاک این کشور شدند و یک پاسگاه مرزی پاکستان را بمباران کردند. در حمله این بالگردها به منطقه قبیله نشین کورم ایجنسی، چهار نیروی امنیتی پاکستان کشته شدند. امریکا از سال ۲۰۰۸ همواره مناطق قبایلی پاکستان را بمباران می کند، اما هیچ گاه واکنش اسلام آباد تا این حد تند نبوده است. بسته شدن گذرگاه تورخم به مدت نو روز، به توقف انتقال سوخت از این گذرگاه به افغانستان منجر شد و بیش از صد تانکر سوخت ناتو در شش حمله افراد مسلح آتش زده شد. امریکا در نهایت ناگزیر شد از پاکستان به علت کشته شدن چهار نیروی امنیتی این کشور در حمله بالگردهای ناتو عذرخواهی کند.

با وجود عذرخواهی آمریکا از پاکستان حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به خاک پاکستان همچنان ادامه دارد. در این مدت بیش از ده بار مناطق قبایلی این کشور بمباران شده است. البته، حملات به مناطق قبایلی پاکستان از چندی پیش اوج گرفته و در مقایسه با ماه ها و سال های گذشته، افزایش قابل توجهی یافته است. طبق گزارش رسانه های پاکستان، هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا تنها طی یک ماه بیست و سه بار مناطق قبایلی پاکستان را هدف راکت قرار دادند. از اگست ۲۰۰۸ تا کنون بیش از هزار و یکصد پاکستانی که بسیاری از آنها غیرنظامی بودند، در بیش از یکصد و سی و پنج حمله این هواپیماها، کشته شده اند. بر اساس آمار رسمی دولت اسلام آباد، آمریکا در سال ۲۰۰۸ پنجاه و سه نوبت و در سال دوهزارونو ۲۰۰۹ سی و چهار نوبت به پاکستان حمله راکتی کرده است. با وجود افزایش حملات آمریکا به پاکستان و حتی ورود هلکوپترهای ناتو به این کشور که اقدامی بی سابقه است، دولت اسلام آباد در نهم اکتبر گذرگاه تورخم را بازگشایی کرد. با این اقدام پاکستان اگرچه در ظاهر تنش بین دو طرف فروکش کرد، اما این پرسش همچنان بی پاسخ مانده است که چه اتفاقی افتاد که اسلام آباد اصلی ترین گذرگاه این کشور به افغانستان را مدت نو روز به روی کاروان های ناتو مسدود کرد؟

برای این پرسش، پاسخ های متعددی مطرح می شود. برخی بر این باورند که حملات گسترده آمریکا به مناطق قبایلی پاکستان که نقض حاکمیت این کشور است اعتبار دولت حزب مردم را نزد افکار عمومی خدشه دار کرده است. حملات پیاپی آمریکا به پاکستان باعث شده است دولت مرکزی برای واکنش به این حملات تحت فشار احزاب مخالف و افکار عمومی قرار گیرد. از همین رو با کشته شدن چهار نیروی نظامی پاکستان در حملات آمریکا، این فرصت برای حزب مردم ایجاد شد تا قاطعیت اسلام آباد را به رخ ناتو بکشد. باید گفت اگر هدف دولت پاکستان نشان دادن قاطعیت این کشور به ناتو بود، چرا اسلام آباد در مقابل حملات بعدی آمریکا سکوت اختیار کرده است؟ مگر نه اینکه بیشتر کشته های حملات آمریکا و ناتو به پاکستان غیر نظامیان هستند؟ بنا بر این به نظر می رسد که بسته شدن مرز تورخم به روی کاروان های ناتو دلیل دیگری دارد.

برخی بر این باورند که رویکرد قاطع پاکستان در قبال واشنگتن، پاسخ اسلام آباد به فشار بیش از حد آمریکا و ناتو بر پاکستان است. اخیراً دیوید پترائوس فرمانده قبلی نظامیان خارجی در افغانستان (فعالاً رییس سی آی ای) به اسلام آباد هشدار داد، ادامه کم کاری پاکستان در مبارزه با آنچه وی تروریسم خواند، زمینه را برای حمله زمینی آمریکا به آن کشور فراهم می کند. البته شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می دهد آمریکا در صدد متقاعد کردن دیگر اعضای ناتو برای فشار آوردن به پاکستان است. موضوع تلاش "القاعده" و "طالبان" پاکستان برای گروگانگیری و انفجار در چند کشور اروپایی

که آمریکایی ها و انگلیسی‌ها آن را مطرح کردند، بخشی از این شواهد است. واشنگتن با شیوه های مختلفی در صدد است و انمود کند که عمده مشکلات آمریکا و ائتلاف ناتو در افغانستان از پاکستان ناشی می شود. از همین رو، به نظر می رسد که ادعای حمله احتمالی "القاعده" پاکستان به کشورهای اروپایی، توجیهی برای فشار آوردن بیشتر بر اسلام آباد است. شواهد گویای این واقعیت است که این دیدگاه با وضعیت کنونی منطقه بیشتر تطبیق می کند. به نظر می رسد اسلام آباد فشار غرب را احساس می کند و به همین دلیل در صدد ارسال این پیام است که پاکستان قادر است مستقل از ناتو بیاندیشد.

اما علت افزایش فشار آمریکا و ناتو بر پاکستان چیست؟ یک علت فشارهای کنونی بر پاکستان، این است که ناتو در صدد است ناکامی‌های خود را در افغانستان به گردن دیگران از جمله پاکستان بیاندازد. علت دیگر این است که ناتو ریشه اصلی مشکلاتش را در افغانستان، در خاک پاکستان می داند و بر این باور است که حتی عناصری در اردوی پاکستان از شورشیان حمایت می کنند. دیوید کامرون، صدراعظم انگلیس به صراحت گفت که پاکستان درخفا به "طالبان" کمک می کند. اندکی قبل از آن در اسناد و مدارک مربوط به جنگ افغانستان که توسط پایگاه اینترنتی ویکی لیکس منتشر شد، پاکستان به حمایت از "طالبان" متهم شد. در گزارشی هم که توسط مدرسه اقتصاد لندن منتشر شد، دستگاه اطلاعات پاکستان - آی اس آی - به همکاری گسترده با "طالبان" متهم شد. در این گزارش آمده است که آی اس آی به "طالبان" در افغانستان، پول، آموزش و پناهگاه می دهد. حدود یک هفته قبل از انتشار این گزارش، موسسه تحقیقاتی آمریکایی رند نیز با انتشار گزارشی اعلام کرد عوامل اطلاعاتی پاکستان و نیروهای شبه نظامی دولتی این کشور، شورشیان "طالبان" را آموزش می دهند و به آنها درباره تحرکات نیروهای آمریکایی در افغانستان اطلاعات می دهند. افزایش فشار آمریکا و ناتو بر پاکستان در مقطع کنونی نشان می دهد که اسلام آباد، تا مقطع کنونی، انتظار ناتو را برآورده نکرده است. از این گذشته، پاکستان و افغانستان ۲۴۳۰ کیلومتر مرز مشترک دارند که با توجه به بافت ساکنان منطقه و ساختار جغرافیایی مناطق مرزی دو کشور، کنترل این مرزها در صورت افزایش تنش بین ناتو و اسلام آباد، کاری بس دشوار است.

پاکستان و افغانستان دو کشوری که از بدو تأسیس، سرنوشت شان به یکدیگر گره خورده، اخیراً شاهد تحولات و وقایع مهمی هستند که می رود تا استراتژی بازیگر همیشه حاضر در این دو کشور یعنی آمریکا را رقم بزنند. هرچند فضای حاکم بر اسلام آباد و واشنگتن از دیر باز به دلیل سیاست های دوگانه پاکستان از مدتها پیش تیره و تار شده بود، اما به نظر می رسد این بار صراحت لهجه آمریکایی ها در متهم کردن سرویس های اطلاعاتی-امنیتی پاکستان در حمایت از "طالبان" و به خصوص شبکه حقانی

بیش از هر زمان دیگری، رابطه دو کشور را در معرض تهدیدات جدی قرار داده و فشارهای آمریکا بر مقامات پاکستانی نیز بیش از زمان دیگری عرصه را به سیاستمداران پاکستانی تنگ کرده است. واقعیت آنست که پاکستان سالها توانسته به سیاست دوگانه خود در برخورد با آمریکا و "طالبان" ادامه بدهد، اما امروز چالش جدی در همین جاست که آیا پاکستان همچنان قادر به ادامه این بازی هست یا خیر؟

به نظر می رسد هم اکنون مقامات این کشور با دشوار شدن وضعیت به پایان خط این بازی نزدیک می شود چرا که آمریکا جدی و مصمم تصمیم دارد پاکستان را مجبور کند که دست از این سیاست بردارد. اظهارات مقامات آمریکایی در تقبیح این رویکرد پاکستان نیز موید عزم آمریکایی ها برای پایان دادن به این وضعیت است و حتی تا سطح تهدید به حمله و اشغال مناطق قبایلی نیز پیش رفته است. به طوری که اخیرا سناتور گراهام، از جمهوریخواهان مجلس سنا اعلام کرده است که آمریکا تصمیم قاطع خود را برای پایان دادن به استاندارهای دوگانه اسلام آباد گرفته است. مقامات پاکستان نیز این واقعیت را درک کرده اند که زمان بازی دوگانه به پایان رسیده است. در همایش بزرگ احزاب پاکستان که با حضور سران و بسیاری از شخصیت های سیاسی و دینی این کشور برگزار شد، سخنان زرداری و گیلانی گویای آن بود که پاکستانی ها نیز واقعا به این نتیجه رسیده اند که آمریکایی ها دیگر سیاست دوگانه پاکستان را نمی پذیرند و سران این کشور باید تصمیمی جدی اتخاذ کنند. هرچند اختلافات زیادی برسر این مسئله میان احزاب اسلامی، حزب مردم و همچنین حزب مسلم لیگ نواز شریف وجود دارد و همین امر اتخاذ تصمیمی قاطع و عملی را با چالش جدی روبرو کرده است اما در هر حال پاکستان تنها دو راه حل پیش رو دارد.

اول اینکه فوج یا باید به وزیرستان حمله و سازمان "القاعده" و همچنین شبکه حقانی را از آنجا بیرون کند که این به معنای درگیر شدن در یک جنگ داخلی است، چرا که قبایل اعلام کرده اند که نه به فوج پاکستان و نه به آمریکایی ها اجازه دخالت خواهند داد و حتی به جهاد تهدید کرده اند. اتخاذ این رویکرد به منزله تغییر استراتژی پاکستان است و در واقع آمریکایی ها نیز به دنبال آنند. اما از سخنان رهبران سیاسی و جنرال های اردوی پاکستان اینگونه بر می آید که آنها آمادگی حمله به وزیرستان را ندارند. اما گزینه دوم پیش روی مقامات پاکستانی اینست که ریسک ورود نیروهای آمریکایی به پاکستان را بپذیرند تا نظامیان آمریکایی، اردوی پاکستان را دور زده و در مناطق قبائلی وارد عمل شوند و از طریق هواپیماهای بدون سرنشین دست به عملیات های هوایی بزنند. راه حل سومی اگر قابل تصور باشد، اینست که پاکستان به ظاهر تسلیم مدیریت آمریکا شود اما همان سیاست دوگانه را پشت پرده پیگیری کند.

اما در مقطع فعلی نمی توان امیدوار بود که این سیاست بتواند پاسخگوی بحران فعلی باشد. آن هم در حالی که بسیاری از ناظران بر این اعتقادند که اگر پاکستان تغییر روش ندهد احتمال درگیری نظامی میان پاکستان و افغانستان زیاد است و در آن صورت آمریکایی ها به نفع افغانستان دخالت خواهند کرد. مسلماً اگر این اتفاق بیفتد آتش این جنگ بیش از همه دامن پاکستان را گرفته و این کشور را در معرض تهدید تجزیه قرار خواهد داد.

برداشت های از منابع معتبر خبری.